

اشاره

آشنایی با سرگذشت فرق مذاهب همچنان که در شناخت حق از باطل و تمییز ابعاد مثبت و منفی عبرت آموز آنان مؤثر است، به یقین در برطرف کردن برخی سوء تفاهمها و اختلافهای ناروای فرقه‌ای و شناخت اصول و معیارهای مشترک و مقبول برای گفت‌وگوی درون دینی نیز، مؤثر است. نویسنده در این مجموعه به معرفی چگونگی پیدایش و ارزیابی نقش و کارکرد جنبش نقطویه و پیش درآمد آن، حروفیه، پرداخته است که می‌تواند منبع خوبی برای پژوهشگران فرق و مذاهب باشد.

جنبش نقطویه

ولی قیطرانی*

علیرضا ذکاوتی قراگزلو، قم، نشر ادیان،
چاپ اول، ۱۳۸۳، رقعی، ۲۹۸ ص، فارسی.

تحلیل و ریشه‌یابی ابعاد گوناگون نهضت‌های مربوط به فرقه‌های غالی در جهان اسلام و سپس پی‌گیری تأثیرات و تکرار متعادل یا افراطی آموزه‌های آنها در یکدیگر به لحاظ شناخت پدیده‌های تاریخی - مذهبی و جهت‌گیری صحیح فکری و عملی در قبال آنها حائز اهمیت خاصی است. بدیهی است نویسنده یا مؤلفی که بدین امر می‌پردازد، خود باید تسلط کامل ذهنی برای برداشت مقولات اجتماعی، تاریخی، ادبی، عرفانی، فلسفی، روان‌شناختی و حتی علمی از متون برجای مانده نحله‌های مربوط داشته باشد تا بتواند هر چه بیشتر به مبادی و شرایط بروز و سپس سقوط آنها پی ببرد و با پروردن مستندات و هم منقولات نتایج لازم را جهت اطلاع و تحقیق بعدی در اختیار خواننده علاقه‌مند و جست‌جوگر بگذارد.

باید گفت کتاب جنبش نقطویه و مؤلف آن از توصیفات پیش‌گفته برخوردار و در نوع خود کم‌نظیر است، به طوری که جامعیت مطالب آن ایجاب می‌کند از زوایای گوناگون معرفی گردد

* قیطرانی، کارشناس ارشد فلسفه، محقق و پژوهشگر معارف اسلامی.

و بر ارزش منحصر به فرد آن در مقوله نقطویه‌شناسی تأکید شود. بنا به گفته مؤلف ... درباره نقطویه تنها کتاب تحقیقی ارزشمند تا این تاریخ (۱۳۸۰) نقطویان یا پسیخانیان تألیف دکتر صادق کیاست که شامل گزیده یک متن کهن نقطوی است. پس از آن این جانب از ۱۳۶۷ به بعد طی مقالات متعددی ... اطلاعات فراوانی را که از کتابهای تاریخ و ادب و متون دیگر درباره نقطویه یافته‌ام، تنظیم و عرضه داشته‌ام و حتی الامکان تفسیر واقع‌بینانه‌ای از این آیین التقاطی و «روش‌فکرانه» قرون میانه ایران به دست داده‌ام.^۱

جنبش نقطویه مجموعه چهارده مقاله است که مؤلف کوشیده آنها را براساس محتوا از کلیات تا موضوعات تخصصی فرقه مزبور رده‌بندی کند؛ به این معنا که خواننده نخست اطلاعات کلی درباره نقطویه به دست می‌آورد و سپس به تدریج عقاید و آرای نقطویان را همراه با نقد می‌خواند. با یک نگاه به فهرست مقالات، اصرار مؤلف جنبش نقطویه بر عرضه مطالب نو درباره نقطویه به نظر می‌آید. او با قلم ساده و روان خویش ناگفته‌های مربوط به این نحله را به خصوص در امر زیربناها و تحولات و تأثیرات اجتماعی آن، که فهم آنها نیاز به تجربه و عمق فکری دارد، سخاوتمندانه پیشکش می‌کند.

باری، آغاز سخن در جنبش و در مقاله اول، جنبش صفویه میان تشیع و تصوف، «رابطه انسان و خدا» در تصوف، جانشینی امام علی و «ارتباط تصوف و تشیع» است. عقیده مؤلف بر این است که

این دو دسته‌گرایشها (تصوف و تشیع) از لحاظ منشأ و مبنا و هدف یکی نیستند، ولی در عین حال در طول تاریخ فاصله آنها کم و بیش تغییر کرده است و می‌توان گفت که در واقع به سوی هم سیر کرده‌اند تا آنجا که از تنافر اولیه به بی‌طرفی و همزیستی، و آن گاه به سوی همگرایی، و گاه موقتاً انطباق پیش رفته‌اند.^۲

۱. نک به: ص ۲۰۴.

۲. ص ۱۳.

با این بیان، زمینه برای طرح گرایش به تشیع (در معنای وسیع آن) بر اثر خشک‌اندیشی و قشری‌گرایی بعضی از عالمان مسلمان و نیز «همکاری میان متفکران اسماعیلی مذهب و بعضی صوفیان» آماده می‌شود که به عامل مشترک یعنی مبحث ولایت و رویکرد مهدی‌گرایانه در نهضت‌های صوفیانه می‌انجامد.^۱ مؤلف می‌گوید:

تصوف، که به عنوان یک طرز فکر و مجموعه‌ای از آداب و اعمال مشخص، در بر گیرنده نوعی عکس‌العمل نسبت به اوضاع اجتماعی بود، در زمان ایلخانان منجر به تشکیل دولت‌های سربرداری در نقاط مختلف ایران شد که حکایت از نوعی بیداری و جنبش میان توده‌های سرکوفته و در عین حال از نفس نیفتاده بود.^۲

اما این همکاری با «قطبیت صوفیانه و غلو شیعیانه» صوفیان و استقلال‌طلبی در حکومت از سوی هر دو، کم‌کم تبدیل به خصومت و نفی و رد یکدیگر می‌شود.^۳ مقاله دوم، حروفیه در عصر تیموری، درباره خاستگاه فکری حروفیان (= پیشگامان نقطویه) و برخورد آنان با تیموریان است. گفتاوردهای جالب مقاله مزبور را (تنها از دیدگاه اجتماعی) می‌توان چنین گزینه کرد:

اینکه حروفیان و تمام داعیه‌داران گذشته با چه توجیحات عجیب و غریبی و با چه استدلال‌ات سستی کسانی را به سوی خود کشیده‌اند مهم نیست. آنچه از دیدگاه تاریخ اجتماعی و بررسی نهضت‌های مذهبی - سیاسی مهم است محتوای تعلیمات آنان و رویکرد شورشگرانه آنان است.^۴

به هر حال یک نهضت اجتماعی [حروفیه] ... نمی‌توانسته است خالی از مساوات‌طلبی بوده باشد. همین عدالت و مساوات در زبان دشمنان به هرج و مرج‌طلبی یا اشتراکیت تعبیر می‌شده است.

۱. نک به: ص ۱۴.

۲. ص ۱۵.

۳. نک به: ص ۱۶-۲۲.

۴. ص ۲۷-۲۸.

از نکات مترقی در نهضت حروفیه مشارکت فعال زنان در آن است.^۱
عبرت‌انگیز است که توجه کنیم حروفیان با عقیم ندانستن آینده ظهور
مراتب انسانهای الهی یکی بودن فضل الله حروفی و حضرت مسیح ع‌آل‌س
بعضی مسیحیان آناتولی و بالکان را وارد اسلام کردند.^۲

حروفیان در ایران به طور زیرزمینی باقی ماندند و به شکل نقطویه که از
جهت ملی و اجتماعی افراطی‌تر بودند، فعالیت خود را ادامه دادند.^۳

با دو مقاله مذکور با چگونگی فکری و شرایط اجتماعی - سیاسی بروز نقطویه آشنا
می‌شویم، به طوری که در آغاز مقاله سوم، نگاه تازه‌ای به منابع نقطویه، خواننده پیش‌زمینه‌ای از
بنیاد فکری فرقه مزبور را در ذهن خود دارد.

نقطوی‌گری شاخه الحادی حروفیه بوده است، با عقاید مادی - تناسخی و
ظاهراً گرایشی به آزادی اخلاقی که نزد رده‌نویسان با اباحیگری و هرزگی
تعبیر شده است.^۴

این فرقه مدتها مخفی بوده تا آنکه با یافتن زمینه مساعدی در بقایای الموتیان و
اسماعیلیان گیلان نمایان می‌شود و به فعالیت خود ادامه می‌دهد. مؤلف کتاب اشاره می‌کند:
نقطوی‌گری جنبه‌ای یا جزئی از آن جنب‌وجوش جست‌وجوگرانه‌ای است
که در اواخر دوران ملوک الطوائف بعد از تیمور در ایران پیدا شد و به تدریج
بر رکود و انحطاط غلبه کرد و در شعر و هنر و فلسفه و صنعت و تجارت و
سیاست و مذهب آثار خود را نشان داد.^۵

گفتنی اینکه جنبش نقطویه حاوی مطالب جامعه‌شناختی و روان‌شناختی جامع‌الاطراف مربوط
به فرقه غالی نقطویه است؛ لذا تنها با رجوع به آن می‌توان پیوند منسجم گفتاوردهای مقاله حاضر
را نظاره کرد. اما به هر حال با اشاره به برخی از آنها شاید رهیافت به وجوه دیگر نیز حاصل شود.

۱. نک به: ص ۳۰.

۲. ص ۲۸.

۳. همان.

۴. ص ۳۶.

۵. ص ۴۰.

به هر تقدیر، مقاله سوم حاوی «حضور نقطوی‌گری در دستگاه اکبرشاه به عنوان یک جنبش انسان‌گرایانه آزاداندیش»، «تأویل‌گری برای توجیه خود از سوی فرقه‌های شبه‌مذهبی با ادعای جامعیت»، «تلقی کثرت‌گرایی نقطویان به عنوان عکس‌العملی در برابر وحدت‌گرایان»، «تناسخ نقطویه» و اینکه «کانون‌های اولیه بایه همان نقاطی است که دو سه قرن پیش از آن پایگاه نقطویه بوده است» و توضیحات کلیدی و شواهد مقنع درباره آنهاست.^۱

در آغاز مقاله چهارم، نگاهی دیگر به نقطویه، باز هم مؤلف بر کم بودن آگاهی‌های استوار و بی‌شائبه درباره نقطویه یا پسیخانیان تأکید می‌کند و یادآور می‌شود که هنوز مجموعه نقطویان یا پسیخانیان دکتر صادق کیا مستندترین و جامع‌ترین تحقیق درباره فرقه مزبور است.^۲ واژه‌های کلیدی این مقاله، «تناسخ»، «اخترکیشی»، «رجعت و رأس هزاره» و نیز بخشی از سرگذشت نقطویان بعد از سرکوبی آنها به دست شاه عباس است. مؤلف در کنار اقوال دیگران درباره مقولات مزبور می‌نویسد:

محمود [پسیخانی نقطوی] با عقیده تناسخی‌اش و با اعلام ادوار و اکوار،
بذر و زمینه پیدایش بشارتهای متوالی را میان پیروان خود باقی گذاشت ...
مبلغان نقطوی با استفاده از همین موارد و با عرفان بافی‌هایی که در قالب
عبارات «متشابه» راه فراری هم برای گوینده باقی می‌گذاشت، نزدیکی
ظهور موعود نقطوی و آغاز شدن دور جدیدی را مژده می‌دادند.^۳

او احتمال قوی می‌دهد که دوبیتی مشهور باباطاهر:

من آن بحرم که در ظرف آمدستم من آن نقطه که در حرف آمدستم
به هر الفی الف قدی برآید الف قدم که در الف آمدستم
از شاعری حروفی نقطوی است.^۴

باز هم، آگاهی‌های دیگر از آیین نقطویه، عنوان مقالاتی دیگر از کتاب جنبش نقطویه که در بر

۱. نک به: ص ۴۱-۴۷.

۲. نک به: ص ۴۹.

۳. ص ۵۱.

۴. ص ۵۷.

دارنده توضیحاتی درباره «اخترکشی و تنجیم نقطویه» و نیز «امناء آنان» با رجوع به ترجیح‌بند عشقنامه ابوالقاسم امری شیرازی (شاعر عارف و داعی نقطوی) و نیز محمد شریف آملی (از بزرگان نقطویه) است. یک نکته اینکه «دیدگاه نقطویه مادی و دهری و طبیعی بوده»^۱ و باب و پیش از او نقطویه آفتاب را هم تقدیس می‌کردند، چنان‌که باب رو به آفتاب دعا می‌خواند. جالب‌تر اینکه در آیین برساخته «الهی» که نقطویان و زرتشتیان گریخته از ایران (پیروان آذر کیوان) برای اکبرشاه ساختند نیز آفتاب تقدیس می‌شد.^۲

از نظر مؤلف، در مقاله آیین نقطویان از نظرگاه فلسفی، آیین نقطویه بنابر التقاط آرای حکمای طبیعی، مبانی تنجیمی، تمایلات ایران‌گرایانه محمود پسیخانی (در آن)، یک نحله فلسفی است. «همین امر دلیل گرایش شهریان (و کمتر روستاییان یا ایلیاتیها) بدان شده است.»^۳ او همچنین مشابهتی بین نظریات نقطویه و آرای هگل درباره فرضیه چهار عنصری طبیعیات قدیم می‌بیند. شواهد دال بر مقولات پیش‌گفته در مقاله مزبور به اندازه کافی از میرداماد (در جدوات)، عزیر نسفی (در انسان کامل) و ... ارائه شده و نهایتاً به این نتیجه رسیده است که این‌گونه تأویلها و نیز فرضیه‌های طبیعی به دست بنیان‌گذار نقطویه رسید و مخاطبان او نیز دارای همین فرهنگ بوده‌اند، منتها خصوصیت محمود [پسیخانی] در این است که این همه را تعبیرهای مادی‌گری کرده است.^۴

بررسی اقوال و آرای گوناگون درباره «تناسخ» و مقایسه آن با «تناسخ» نقطویه در جنبش نقطویه طی صفحات ۸۳ - ۹۳ و یکسره در سه مقاله تأویل و تناسخ و بقایای آیین نقطوی،^۵ تناسخ و نحله‌های شعوبی متأخر^۶ و تناسخ نقطویه و کتاب «میزان» محمود پسیخانی^۷ و نیز صفحات ۱۸۶،

۱. نک به: ص ۶۶.

۲. ص ۶۷.

۳. ص ۷۲.

۴. ص ۸۱.

۵. نک به: ص ۱۲۹ - ۱۵۳.

۶. نک به: ص ۱۵۵ - ۱۷۴.

۷. نک به: ص ۱۹۹ - ۲۰۹.

۱۸۹-۱۹۲ همان کتاب، از مهم‌ترین موضوعاتی است که استاد ذکاوتی بحث مستوفایی درباره آن کرده و حق مطلب را با استناد به کتاب اصلی نقطویان یعنی «میزان» و نیز شواهدی از نحله‌های گوناگون ادا نموده است. باید گفت ریشه تناسخ در قائل شدن به «تأویل»، «ادوار»، «رجعت»، «سر هزاره» و ... است.

اندیشه‌های ضد مذهب حاکم که غالباً رویکردی اجتماعی برای دگرگون‌سازی داشته است می‌باید به پیروان خود توان‌پایداری و ایستادگی نیز ببخشد و آن جز با تلقین و تبلیغ نوعی تناسخ و حلول یا ظهور و رجعت ممکن نمی‌شده است.^۱

البته ممکن است مذهب عالی تشیع و تسنن از کلمه تناسخ تحاشی کنند، ولی عنوانهای دیگری را از قبیل «تقمص» (= پیراهن عوض کردن)، «بروز»، «تمثل» به کار برند.^۲

یکی از ویژگیهای آیین نقطوی باور داشتن تناسخ است که البته محمود پسیخانی [در تعریف جدیدش از آن] به روح مجرد معتقد نبوده است و از این رو تناسخ او از قبیل تناسخ بوداییان است.^۳

نقطویه (به قول عرفا) قوس نزول را قبول نداشته‌اند، ولی قوس صعود را قبول داشته‌اند. آنها انسان کامل یا «ذات مرکب مبین» را مرتبه خدایی می‌داده‌اند نه به عنوان مظهر، بلکه تحقق کمال مرتبه حیوانی و سپس انسانی، یعنی ... در انسانها مرتبه کمال از آن کسی است که به «خود» رسیده باشد و همه چیز و همه کس را ظهور خود بداند، و این طور یعنی [نشأ و مرحله] غیر از مرکب از عناصر نیست.^۴

نتایج نقطویه‌ای برداشت از «کمال انسان» این بود که محمود پسیخانی می‌گفت: آن نقطه واحد مذکور را به جز صور کلی شیء نیابی که صور کل شیء را

۱. نک به: ص ۹۹.

۲. ص ۱۳۰.

۳. نک به: ص ۱۳۲.

۴. ص ۱۳۴.

نفس او یابی لاغیر و آن صور کل شیء را که اشارت به صور جمادیّه و نباتیّه و حیوانیّه و انسانیّه است ... به جز صورت آدمی ندانی ... که جمله هر یک صورتی را مثل من و تو آدمی بینی که به نفس خویش سمیع و بصیر و حی و متکلم و مرید و علیم و قدیر آمده باشد ...

یعنی هر چیز در عین آنکه تحقق و تعین خاص خود را دارد جهتی و جنبه‌ای از انسان است که «مرکب مبین» و عالی‌ترین موجود است که نفس کل شیء است که الله واحد مطلق قدیم هموست.^۱

و بالاخره انسان کامل آن است که «مبین و معلم و علیم و شهید کل» شده و «حاضر و ناظر و عالم و عامل به نفس کل شیء آمده باشد».^۲

خلاصه در مقاله سیری در مطالب «میزان» محمود پسیخانی^۳، مؤلف جنبش نقطویه گزیده‌ای از خصوصیات و آرای وی را مانند «متمهدی بودن او»، «شمول آیینش بر تمام ادیان»، «کمال انسان» (= الله مرکب مبین)، «برتری آدم عجم (محمود) بر آدم عرب»، «جتنی بودن همه کتب غیر از کتب انبیاء»، «انحصار «تأویل» به اهل نقطه» و ... آورده و درباره هر کدام مفصلاً به «میزان» استناد کرده است. اما قبل از این مقاله، دو مقاله دیگر یعنی تحلیل کتاب «مفاتیح الغیوب»^۴ و از کلمات و کلام محمود پسیخانی در کتاب «میزان»^۵ در جنبش نقطویه درج گردیده که همچون مقالات دیگر کتاب حاوی مطالب و تحلیل‌های ارزنده درباره نقطویان و مسائل نظری و به خصوص ادبی آنهاست.

مؤلف محترم همواره در تکاپو و جست‌وجوی منابع و بازیافت اسناد و داده‌های جدیدی از نقطویه بوده که این امر نه تنها تکراری بودن مطالب جنبش نقطویه را (طی مقالات) نشان نمی‌دهد، بلکه هر بار که موضوعی (ولو دوباره) در مقاله‌ای مطرح می‌شود حتماً نکته‌ای تازه

۱. ص ۲۲۵.

۲. نک به: ص ۲۲۶.

۳. نک به: ص ۲۳۳-۲۷۷.

۴. نک به: ص ۱۷۵-۱۹۹.

۵. نک به: ص ۲۱۱-۲۲۲.

در بر دارد؛ از این رو، در دو مقاله اخیر در کنار موضوعات پیشین به «مقایسه نظرات عرفانی محمود پسیخانی با ابن عربی»،^۱ مبدأ و معادشناسی همو (محمود پسیخانی)، «شیوخ جنبشهای شیعی در ایران (سده هشتم قمری)، عباراتی از کتاب «مفاتیح الغیوب» که ویژگیهای سبک‌شناختی و فکری آن را نشان می‌دهد»^۲ و معرفی کتاب «میزان» به لحاظ رسم‌الخط و اصطلاحات خاص آیین نقطوی می‌پردازد.

باری، کتاب جنبش نقطویه با تحلیلهای جامع در امر نقطویه‌شناسی می‌تواند به عنوان تنها مرجع برای شناخت آموزه‌های فرقه نقطویه و نیز مدخل بحث از فرق غالی بعد از نقطویان در ایران باشد.



۱. نک به: ص ۱۷۹ - ۱۸۳.

۲. نک به: ص ۱۹۵ - ۱۹۷.



پروہ شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

